

# تشنگی نتیجه دیدار «کمیساران»

با ورود به پنجمین پاییز خشک کشور، نه خبری از اجرای طرح‌های آبرسانی سیستان است، نه خبری از تأمین حبابه هیرمند

۶

## انتخاب نسل Z همسفری با طبیعت

نسل جدید چگونه چهره گردشگری جهان را دگرگون می‌کند؟



۴

## قدم زدن در میان نغمه‌ها

موزه هنرهای معاصر تهران موسیقی را با معماری موزه پیوند داد



۸

## هزار سال پایداری در باغستان قزوین

ثبت جهانی باغستان شروع راهی تازه است که می‌تواند الهام‌بخش جهان باشد

۵

## تأخیر در جمع‌آوری گازهای مشعل جایز نیست

۱

دیدگاه

## دوگانه ذهنیت و واقعیت وقتی تصویر جای داده را می‌گیرد



۸



## برج‌سازان به جان مازندران افتادند

بررسی‌های «پیام ما» نشان می‌دهد با وجود درخواست برای بلندمرتبه‌سازی در شمال، شورای عالی مسکن و شهرسازی هنوز مجوزی صادر نکرده است

۳

شرکت ساختمانی شهریار نور

خبر

پزشکیان هشدار داد:

## تأخیر در جمع‌آوری گازهای مشعل جایز نیست

رئیس جمهور در آیین امضای قرارداد بزرگترین طرح جمع‌آوری گازهای مشعل (فلر) با اشاره به دستاوردهای اقتصادی و زیست‌محیطی این طرح، بر لزوم تسریع جمع‌آوری گازهای فلر تأکید کرد.

مسعود پزشکیان شنبه، ۱۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴، در آیین امضای قرارداد بزرگ‌ترین طرح جمع‌آوری گازهای مشعل کشور که به منظور فروش این گازها به شرکت‌های خصوصی و دانش‌بنیان شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب اجرایی می‌شود، از شرکت‌های مشارکت‌کننده درخواست کرد مشکلات خود در این مسیر را مطرح کنند تا فارغ از روند بروکراسی اداری اقدامات لازم برای رفع این مشکلات به سرعت انجام شود. رئیس جمهور با تأکید بر اینکه باید مدت زمان ۱۸ ماهه اجرایی شدن این طرح کاهش یابد، گفت: «این گازها سرمایه ملی است و برای جلوگیری از هدررفت آن حتی نباید یک روز را از دست دهیم.»

پزشکیان با بیان اینکه با اجرای کامل طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل، علاوه بر دستاوردهای اقتصادی، گامی بلند در راستای بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی و حفظ سلامت مردم عزیزمان برانداخته‌ایم، تأکید کرد: «باید موانع را از سر راه

که به اهداف برنامه هفتم توسعه دست یابیم.»

۳ امضای ۱۸ قرارداد دیگر تا پایان آذرماه

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران نیز در این آیین با بیان اینکه وزارت نفت برنامه جمع‌آوری ۵۲۰ میلیون فوت‌مکعب گاز را در دستورکار دارد، تصریح کرد: «در قالب قراردادهایی که امروز (۱۲ قرارداد) به امضا می‌رسد، نزدیک به ۳۰۰ میلیون فوت‌مکعب گاز فلر جمع‌آوری می‌شود و امید است با پیگیری وزارت نفت و همراهی بخش خصوصی تا پایان آذرماه ۱۸ قرارداد دیگر نیز به امضا برسد.»

دو طرح بزرگ بهسازی و احداث تأسیسات جمع‌آوری گازهای مشعل حوزه شرق کارون (شامل میدانی کارون، مارون، آغازجری و گچساران) و سه کارخانه بزرگ گاز و گاز مایع ۳۱۰، ۳۲۰ و ۳۳۰ و خاک و سرمایه‌گذاری بالغ بر ۴۰۸ میلیارد دلاری از دستاوردهای کلان طرح‌های بلندمدت است که برخی از آنها راه‌اندازی شده و با بهره‌برداری کامل از مامی آنها حداکثر تا دو سال آینده، ظرفیتی معادل ۱۰۹ میلیارد فوت‌مکعب در روز برای جمع‌آوری گازهای مشعل ایجاد می‌شود.

۳ چالش گازهای مشعل

بخش قابل توجهی از گازهای همراه استخراج نفت که به آنها گاز مشعل یا فلر گفته می‌شود، در ایران بدون استفاده و به صورت سوزانده شده رها می‌شوند. این گازها هنگام استخراج نفت از میدان‌ها به سطح زمین می‌آیند و به دلیل نبود زیرساخت‌های جمع‌آوری، ارزش اقتصادی و انرژی آنها هدر می‌رود. برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد حجم گاز مشعل ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۷،۴ میلیارد مترمکعب بود و در سال ۲۰۲۳ به ۲۰،۴

گازی در سال و افزایش قابل توجه خوراک پتروشیمی‌ها و تزریق حدود ۲۰۰ میلیون فوت‌مکعب گاز به شبکه سراسری و کاهش ناترازی انرژی منجر می‌شود.

«محسن پاک‌نژاد»، وزیر نفت، نیز در آیین امضای قرارداد بزرگ‌ترین طرح جمع‌آوری گازهای مشعل، با بیان اینکه از ابتدای دولت چهاردهم هفت پروژه جمع‌آوری گازهای مشعل به بهره‌برداری رسیده است، گفت: «تا پایان سال جاری ۱۵ میلیون فوت‌مکعب به گازهای جمع‌آوری شده افزوده می‌شود. برنامه درام تا پایان سال ۱۴۰۵ روزانه ۲۰ میلیون مترمکعب جمع‌آوری گاز داشته باشیم و این رقم رکوردی جدید در صنعت نفت و گاز ایران به شمار می‌آید.»

او افزود: «البته با برنامه‌هایی که در دست اجرا داریم، پیش‌بینی می‌شود روزانه هفت میلیون مترمکعب نیز تا پایان سال ۱۴۰۵ به این رقم افزوده شود. همچنین، اجرای این طرح اشتغال دو هزار نفری به صورت مستقیم و غیرمستقیم را در پی خواهد داشت.»

وزیر نفت اظهار کرد: «با همراهی بخش خصوصی تاکنون در این بخش بیش از چهار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته است و به ۳،۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دیگر نیاز داریم

میلیارد مترمکعب رسید. این میزان گاز هدررفته ارزشی بیش از ۱،۵ میلیارد دلار دارد. بخش زیادی از این گازها جمع‌آوری نمی‌شوند؛ زیرا شبکه لوله‌کشی، کمپوسورها و واحدهای جداسازی کافی وجود ندارد و سرمایه‌گذاری لازم در این حوزه محدود است.

گازهای جمع‌آوری شده می‌توانند کاربردهای متنوعی داشته باشند. یکی از مهم‌ترین استفاده‌ها تزریق دوباره به میدان‌های نفتی برای افزایش بازیافت نفت است. همچنین، این گازها می‌توانند به سوخت فشرده یا مایع تبدیل شوند و در نیروگاه‌های برق یا تولید هم‌زمان انرژی برق و حرارت به کار روند. بخش دیگری از آنها می‌تواند به خوراک پتروشیمی، تولید متانول یا سایر فرآورده‌های گازی تبدیل شود و به این ترتیب، علاوه بر جلوگیری از هدررفت انرژی، ارزش افزوده اقتصادی قابل توجهی ایجاد شود.

راه‌اندازی چنین طرح‌هایی نیازمند زیرساخت‌های فنی و مالی گسترده است؛ از جمله شبکه جمع‌آوری و انتقال گاز، لوله‌کشی و کمپوسورها واحدهای جداسازی ناخالصی‌ها، سامانه‌های تولید یا انتقال انرژی، تجهیزات پایش و اندازه‌گیری گازهای همراه و سرمایه‌گذاری پایدار. علاوه بر این، حمایت‌های قانونی و انگیزشی برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ضروری است. با توجه به حجم بالای گازهای مشعل و تأثیر اقتصادی و زیست‌محیطی آنها، بهره‌برداری بهینه از این منابع می‌تواند هم درآمدزایی ایجاد کند و هم میزان آلودگی ناشی از فلرینگ را کاهش دهد و به مدیریت بهتر منابع انرژی در کشور یاری رساند.

## اولین رویداد رسانه‌ای همای

روایتی نواز همدلی، مقاومت و امید در دفاع مقدس دوازده روزه

محورهای موضوعی آثار: همای مردمی و فدائیکاری امدادگران ایثار خانواده‌ها و گروه‌های داوطلب در جبران مقاومت در برابر تهدید و تحریم امید و باورهای بسی از بحران چهره‌های امداد و نجات و روایت‌های انسانی از خط مقدم امداد و نجات رویدادهای ویژه در پشتیبانی و حمایت از عملیات‌های امداد و نجات محور ویژه: تأثیر جنگ شناختی بر همدلی و انسجام ملی

در قالب‌های: روایت‌های ویدئویی، فیلم‌های کوتاه ۱۱۰ ثانیه‌ای، روایت‌های تصویری، عکس و پوستر، روایت‌های شنیداری، یادگست و نمایش رادیویی

مهلت ارسال آثار: ۲۰ آبان‌ماه ۱۴۰۴

ارسال آثار و ارتباط با دبیرخانه: homame.ir | @HOMAmidevent

## تأکید معاون اول بر استفاده از هوش مصنوعی در خدمات کشور

به‌عنوان یک فناوری نو، بلکه به‌عنوان راهبردی ملی تکرار شد. او گفت: «جمع‌بندی جنگ دوازده‌روزه نشان داد راهبردی دولت چهاردهم در مسیر دستیابی به جایگاه نخست منطقه در حوزه فناوری است. هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی این مسیر باید به‌صورت هوشمندانه و نه هيجانی مورد استفاده قرار گیرد و در همه خدمات کشور جایگاه خود را پیدا کند.»

اما این هدف بلندپروازانه در حالی مطرح می‌شود که زیرساخت‌های کشور هنوز درگیر چالش‌های ابتدایی تحول دیجیتال است. سرعت پایین اینترنت، کمبود دسترسی به داده‌های باز، تحریم‌های بین‌المللی و ضعف در همکاری‌های فناورانه با جهان، پریشانی‌های جدی درباره امکان تحقق چنین چشم‌اندازی را ایجاد می‌کند. حتی در دانشگاه‌ها، شکاف میان آموزش تئوریک و پروژه‌های واقعی مبتنی بر هوش مصنوعی، به‌وضوح مشهود است. در مقابل، دولت می‌گوید نگاهش فراتر از شعار است. براساس گزارش ایسنا، عارف تأکید کرد: «باور داریم ظرف سه سال آینده می‌توانیم به این جایگاه دست یابیم. باید بدانیم در مسیر توسعه

پیام ما درحالی‌که موج جهانی استفاده از هوش مصنوعی بسیاری از کشورها را به بازنگری در ساختارهای علمی و اقتصادی واداشته، (محمدرضا عارف)، معاون اول رئیس‌جمهور، تأکید کرده است «هوش مصنوعی باید در همه خدمات کشور جایگاه خود را پیدا کند». اما پرسش اینجاست که آیا ایران واقعاً برای چنین تحولی آماده است؟

عارف در شصت‌وسومین جلسه هیئت‌امتهای دانشگاه تربیت‌مدرس گفت: «پس از جنگ دوازده‌روزه، اهمیت و نقش دانشگاه‌ها در پیشبرد راهبردهای ملی فناوری، بیش‌ازپیش آشکار شده و دولت چهاردهم نگاه ویژه‌ای به ظرفیت‌های علمی و فناوری دارد.» او همچنین با اشاره به سند چشم‌انداز کشور افزود: «برای آنکه بتوانیم خواسته‌های مردم و جایگاه خود را در جهان حفظ کنیم، بهترین مسیر توسعه علم و فناوری است. امروز برخی از فناوری‌ها در حال حرکت به سمت فناوری‌های نوظهور هستند و دانشگاه‌ها باید با تکیه بر دانش روز و احساس مسئولیت علمی و اجتماعی، پیشگام این مسیر باشند.»

در سخنان عارف، واژه «هوش مصنوعی» نه‌فقط















خبرش |

اولین رویداد «موزیک‌تک» موزه هنرهای معاصر تهران، موسیقی را با معماری موزه پیوند داد

قدم‌زدن در میان نغمه‌ها



در روزهای هشتم و نهم آبان‌ماه و در نخستین رویداد «موزیک‌تک»، موزه هنرهای معاصر تهران به صحنه‌ای برای تجربه موسیقی در فضا بدل شد؛ جایی که مخاطب نه فقط شنونده، بلکه بخشی از اجرای دروزیر بود. به‌گونه‌ای که ترکیب موسیقی، پرفورمنس و ویدئوآرت، توانست مرز میان هنر شنیداری و دیداری را از میان ببرد.

این نقش نسبت به دیگر شاخه‌های هنری در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد و در بسیاری موارد اساساً اهمیتی ندارد. این کم‌اهمیتی گاه به دلیل نبود امکان دسترسی به فضایی مناسب، درخور و به‌ویژه در ارتباطی تنگاتنگ با اثر است.

اما در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم بسیاری از آهنگسازان به اهمیت مکان در اجرا پی بردند و به خلق آثاری مبتنی بر فضا و مکان اجرا پرداختند: «از میان آنها می‌توان به چارلز آیوز هنری براون، ادگار وارز و... اشاره کرد.»

در بخش دیگری از این بیانیه گفته شده انگیزه اصلی این پروژه کسب تجربه موسیقی در فضایی است که شاید بتوان آن را مهمترین و خاص‌ترین فضای معمارانه مدرن ایران دانست و روز دوم این پروژه به کاوش در صدا در میان شکاف‌های دیوارها و بر بستر طراحی بی‌بدیل معماری موزه اختصاص یافت.

**گفت‌وگوی موسیقی با فضا**  
 اجراهای روز جمعه، از گالری ۳ موزه و با قطعه‌ای به نام «گام‌های ما» شروع شد که قطعه‌ای «در جریان» بود و درحالی‌که اجرا ادامه داشت، مخاطبان می‌توانستند به نقاط دیگر موزه سر بزنند و اجراهای دیگر را تماشا کنند. همچنین این امکان را به مخاطبان می‌داد که به‌مدت یک ساعت به میان نوازندگان و خوانندگان بروند و مانند آنها در دایره‌ای

قدم بزنند و وارد این اثر شوند. هم‌زمان در گالری چهار موزه قطعه «صدای ۴۳۳» را اجرا کردند که آن‌هم جزو اجراهای در جریان بود. در این اجرا، جای نوازندگان با یکدیگر عوض می‌شد و به شیوه همان قطعه «گام‌های ما»، مخاطب به قدم‌زدن در میان نوازندگان دعوت می‌شد.

از جمله برنامه‌های دیگری که هم‌زمان با این دو، در گالری‌های دیگر ادامه داشت، نمایش ویدئوآرت در گالری ۶ و پخش «موسیقی الکترونیک فیکسد مدیا» در سیماتک بود. دو برنامه متفاوت دیگر هم در گالری‌های ۸ و ۹ در جریان بود.

در گالری ۸ «در جستجوی موج گمشده»، یک چیدمان صوتی بود که برای رادیو و الکترونیک طراحی شده بود. در این اجرا، مخاطب می‌توانست با تغییر موج رادیو و پردازش‌های برنامه‌نویسی شده بر روی صدای رادیو، به جستجوی صدای مورد نظر خود بپردازد و آن را با دیگر مخاطبان حاضر به اشتراک بگذارد. این اجرا به صورت پایان باز طراحی شده بود تا نمادین‌گر جستجوی بی‌انتهای باشد.

در گالری ۹ هم «اشیاء در جست‌وجوی» در جریان بود که در آن صدا فرایندی تعاملی میان مخاطب، کامپیوتر، اشیاء و اجراکنندگان موسیقی بود. در طی آن با خلایقیت مخاطب و هنرمندان، محیط و اشیاء به ابزاری برای خلق اصوات جدید تبدیل می‌شدند و زنده ماندن این چیدمان وابسته به حضور جمعی، تعامل آزادانه و کنج‌کاوی شجاعانه افراد و هنرمندان حاضر بود.

هم‌زمان با این اجراها، چند قطعه دیگر در گالری‌های دیگر اجرا شد که نخستین آن «یوره‌پیش» در گالری شماره ۲ به رهبری مهدی جلالی بود که سه دوبیتی از باباطاهر را شامل می‌شد. آهنگسازی سه قطعه یوره‌پیش تجربه‌ای در برقرار کردن رابطه‌ای تنگاتنگ بین متن و موسیقی با الهام از فرهنگ لودی‌ک و گام‌های ایرانی بود.

سپس قطعه «پریسما» در گالری ۱ در حالی نواخته شد که نوازندگان به‌طور پراکنده در میان مردم ایستاده بودند و جلالی آنان را رهبری می‌کرد. در توضیح این قطعه گفته شده: «سازها همه از یک گُن محوری می‌آغازند و بر دایره‌ای می‌گردند و از فضای مُدال هر ایستگاه متأثر می‌شوند.»

سپس قطعات «در پژواک صدا» در گالری ۲ و «تقلید کورکونه» در گالری ۴ اجرا شدند. اجراهایی که در آن به‌نوعی موسیقی با فضا و وسعت آن وارد گفتم‌وگو شدند. در ادامه این رویداد، قطعه «مدرا» در گالری ۵ و «فضا و مکان شماره ۴» در حیاط موزه اجرا شد. در اجرای حیاط هم نوازندگان به‌طور پراکنده و در میان مردم برای آنها نواختند. «بی‌لغتی یاد» و «داستان قطره آب» عنوان قطعات دیگری بود که به ترتیب در گالری ۵ و ۹ نواخته و اجرا شدند. آخرین و مهمترین اجرا در مرکز موزه و در کنار حوض روغن اجرا شد که مهدی جلالی به‌عنوان رهبر در کنار حوض ایستاد و نوازندگان در کنار حوض و در ریمپ پیچ در پیچ میان موزه پراکنده ایستادند و قطعه «فضا و مکان شماره ۵» را نواختند که این قطعه مانند قطعه «فضا و مکان شماره ۴» براساس معماری موزه طراحی شده بود.

در میان همه این قطعات، سه قطعه با عنوان «پرامنید» اجرا شد: قطعه‌های کوچکی که بین قطعات اصلی شنیده می‌شدند و یک اجرای اصلی که تمام می‌شد. انکار «پرامنید»

**موزه هنرهای معاصر معطوف به یک هنر نیست**  
 رضا دبیری‌نژاد، رئیس موزه هنرهای معاصر در گفت‌وگو با «پیام ما» درباره برگزاری این دست رویدادهای موسیقی در موزه هنرهای معاصر می‌گوید: «موزه هنرهای معاصر، معطوف به یک هنر نمی‌شود. به‌ویژه اینکه در دنیای معاصر، مرزگشایی و تفکیک بین هنرها امر درستی نیست و اکنون ارتباط تنگاتنگی بین هنرهای مختلف اعم از تجسمی،

موسیقی و نمایش و سینما وجود دارد.» به‌گفته او، بخشی از فضای معاصریت، کار بینارشته‌ای است: «کنته دیگر این است که معاصر امری است که هر لحظه در حال کهنه‌شدن است؛ به این معنا که یک «آکونوی» در آن وجود دارد که هر لحظه هم معاصر است و هم نیست. درواقع، شاخص موزه‌های هنرهای معاصر در جهان، ایجاد رویدادهای معاصر است. یعنی اگر خواهیم به نمایشگاه‌های هنرهای تجسمی بسنده کنیم، به مجموعه‌ای بسنده می‌کنیم که در حال خارج‌شدن از دوره‌های معاصر است. این دست رویدادها و تجربه‌ها است که این نوع موزه‌ها را به یک نوع مرکز فرهنگی معاصر تبدیل می‌کند. درواقع، به‌طورکلی بخشی از رویکردهای جدید موزه‌ها و به‌طور اخص موزه‌های معاصر به‌سوی تجربه‌گرایی و تعامل رفته‌اند تا مخاطبان فرصتی برای تجربه محیطی داشته باشند.»

از دیدگاه دبیری‌نژاد، می‌توان به این بهانه مخاطبان را به تعامل و تفکر وادار کرد: «در نمایشگاه «به گزارش زنان» دیدیم فرصت نقد اجتماعی ایجاد شد. همین موضوع که خود موزه به اندیشیدن تلنگر می‌زند، یعنی دارد نقش معاصر خود را ایفا می‌کند.»

در رویدادهای موزیک‌تک صرفاً شاهد اجرای موسیقی نیستیم بلکه پرفورمنس، ویدئوآرت و... در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند: «از آغاز سال چند تجربه آزمایشی برای موسیقی داشتیم؛ مانند روز جهانی موزه و شب در موزه که البته اجرای موسیقی، برنامه مکمل بود. اما در ادامه به‌طور جدی‌تر این اتفاق را پیش بردیم؛ مانند اجرای ارکستر جوانان و برنامه‌های بخشیه موسیقی در موزه که به‌طور ثابت برگزار می‌شود. اما برای هدفمندتر کردن آن با جمعی از اهالی موسیقی معاصر جلساتی را برگزار کردیم و بنیان‌کانون موسیقی موزه هنرهای معاصر را بنا گذاشتیم. مجموعه برنامه‌هایی را به‌نام «موزیک‌تک» شکل دادیم که این رویداد اولین برنامه آن بود.»

چنین اجراهایی چندین ویژگی دارند. دبیری‌نژاد در این باره توضیح می‌دهد: «این دست برنامه‌ها حس محیطی بسیار زیادی دارند، انگار این فضا برای همین کار ساخته شده و شنیدن موسیقی در این فضا به‌خودی‌خود جذاب‌تر است. همچنین، مخاطب را وارد یک تجربه محیطی می‌کند و در حال اضافه‌کردن یک لایه به محیط است؛ درواقع این رویداد یک خاطر جدید از این محیط می‌سازد.»

به‌گفته او، موزه هنرهای معاصر سعی دارد این برنامه‌ها را به‌طور ادواری اجرا کند و نشست‌های تخصصی و نمایش فیلم مستند نیز در کنار آنها برگزار شود: «هفته آینده برنامه دوم موزیک‌تک اجرا می‌شود که مروری است بر موسیقی قرون وسطی تا قرن بیستم.»

رئیس موزه هنرهای معاصر توضیح می‌دهد «موزیک‌تک» در فرصت بین‌نمایشگاهی که گالری‌ها خالی‌اند برگزار می‌شوند، اما ممکن است در حین برگزاری برخی نمایشگاه‌ها و به تناسب، برنامه‌های موزیک‌تک ادامه یابند: «به‌دنبال برگزاری یک نمایشگاه برای سال آینده با تم موسیقی و آثار تجسمی مربوط به فضای هنرهای معاصر اقدام می‌کنیم.»

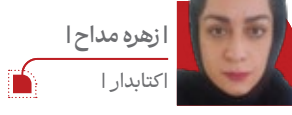
استقبال از این رویداد دوروزه به‌خوبی نشان داد مخاطبان امروز، به‌ویژه در فضای هنر معاصر، مشتاق تجربه‌هایی متفاوت و میان‌رشته‌ای هستند؛ تجربه‌هایی که مرز میان دیدن و شنیدن و مخاطب و هنرمند را از میان برمی‌دارند.

خبرش |

رونمایی کتاب «راهنمای رستگاری در جابلقا»

کشکول خودیاری در جابلقا

خاورمیانه‌ای به مسائل زندگی، خوشبختی، رضایت و زیستن معنادار در شرایط خاص این منطقه است. شرایطی که به‌واسطه بحران‌های سیاسی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی زندگی در این منطقه را به‌شکلی متفاوت و پرچالش تبدیل کرده است. در این کتاب آیا نویسنده واقعه زندگی در خاورمیانه به‌ناچار باید همراه با رنج، اضطراب و نارضایتی باشد؟ آیا امکان دارد در این جغرافیا رضایت، خوشبختی و آرامش درونی یافت؟



زهره مداح / کتابدار



میدان بهشتی

دیدگاه |

دوگانه ذهنیت و واقعیت

وقتی تصویر جای داده را می‌گیرد



علی زنجبران / روزنامه‌نگار

دقیقی از وضعیت جمعیت به دست نمی‌دهند. در این‌حال، در ایران و برخی کشورها، گاهی مقامات رسمی یا حتی کارشناسان با استناد به چند تصویر از گونه‌های شاخص، به این نتیجه می‌رسند که «اوضاع خوب است». این یک خطای شناختی شناخته‌شده است: سوگیری ناشی از مشاهده (bias of visibility) یعنی ما فقط براساس آنچه دیده‌ایم قضاوت می‌کنیم، نه آنچه پنهان مانده است. در اکولوژی، مشاهده‌پذیری الزماً به‌معنای فراوانی بالاتر نیست؛ گاه برعکس، گونه‌ای که به‌دلیل فشار زیستگاهی در محدوده‌های کوچک‌تری متمرکز شده، بیشتر به چشم می‌آید.

مشکل از آنجا آغاز می‌شود که این مشاهدات منفرد، جای داده‌های سیستماتیک را می‌گیرند. تصویر یک پلنگ به‌معنای حضور پایدار او نیست، همان‌طور که دیدن چند یوز در دوربین‌ها، نشانگر بازگشت جمعیت نیست. آنچه ما می‌بینیم «واقعیت مشاهده» است، نه «واقعیت اکولوژیک».

البته این به‌معنای بی‌اهمیت بودن عکاسی از حیات‌وحش نیست؛ در سطح عمومی، این تصاویر اغلب تنها نقطه اتصال مردم با طبیعت‌اند و می‌توانند همدلی و حمایت اجتماعی ایجاد کنند. اما در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، جای داده‌های علمی را نباید بگیرند. انتظار آن است که متولیان رسمی حفاظت، این تصاویر را در کنار داده‌های آماری و گزارش‌های تحلیلی منتشر کنند، نه به‌جای آنها.

زیبایی تصویر را نمی‌توان انکار کرد، اما حفاظت مؤثر بر شواهد تکرارپذیر استوار است، نه به‌رحلات اتفاقی. اگر به‌جای داده، به تصویر دل ببندیم، خطر آن می‌رود که طبیعت را زیباتر از آنچه در واقع هست، ببینیم؛ درست‌تر آن است که دیگر چیزی برای دیدن باقی نماند.

خودشناسی در بازار بسیار است و اینکه کتاب را نباید با محتوای بعضاً سطحی آنها مقایسه کرد و این سنجش خطر دیگری است که برای این کتاب می‌توان متصور شد: «نویسنده اشاره می‌کند این فرهنگ کولی‌وار زیستن به‌ظاهر غربی است، اما منشأ این موضوع طبق پژوهش‌های باستانی انجام‌شده به ۲۵۰۰ سال پیش و به عصر آهن برمی‌گردد. درواقع، نخستین کولیان آهنگرانی بودند که برای ساختن ابزار به نقاط مختلف سفر می‌کردند و یکجانشین نبودند. آثار این گروه در کاوش‌های قیصریه کشف شده است.»

او به بخشی از کتاب اشاره کرد که پرهیز از چپ‌اندیشی است و این بخش جای بحث دارد؛ چراکه نویسنده نظرات خود را به‌طور جزئی و با قطعیت بیان کرده و بلافاصله هم از آن گذر کرده است. این درحالی‌ست که نمی‌توان تأثیر اندیشه‌های چپ در ایران را نادیده گرفت.

**ترازی-کمدی هستندگی**  
 «گیتی صفرزاده»، روزنامه‌نگار و سردبیر سابق نشریه «گل‌آقا»، به‌موضوع زندگی در کتاب اشاره کرد که می‌توان آن را معادل واژه آبرونی در نظر گرفت. «در کتاب عبارت «ترازی-کمدی هستندگی در خاورمیانه» استفاده شده که عبارتی رندانه است. به‌علاوه، فصلی از کتاب در مورد زندگی و مفهوم آن است.»

او در ادامه افزود: «زندگی درواقع ابزاری است که بقای ما را در خاورمیانه تأمین کرده است. نویسنده خود رندانه این موضوع را بیان کرده که زیستن در خاورمیانه چندان هم دشوار است، اما ابزار مخصوص به خود را می‌طلبد که همانا زندگی است.»

**خاورمیانه شاد یا غمگین؟**  
 «فاطمه علی‌اصغر»، نویسنده و سردبیر روزنامه «پیام ما»، این کتاب را برآمده از تجربه زیست‌شده هرروزه ما در ایران دانست و گفت: «تمرکز کتاب بر دوره گذار جوامع شرقی از اندوه و شکست به‌سوی شادی و امید به‌پیروزی است. یکی از نقاط قوت کتاب ایجاز آن در عین گسترگی مطالبش است. برای مثال بخش‌هایی که راجع به خاورمیانه نوشته شده، به‌طور مختصر تاریخ آن را در برمی‌گیرد.»

او در ادامه گفت: «نویسنده به‌انزوا، تنهایی و افسردگی آدم‌های غمگین شرقی اشاره می‌کند و راه خروج از آن را رسیدن به مشارکت اجتماعی می‌داند. من نیز معتقدم این مشارکت جمعی همان

خودش را بیان می‌کند.»

خودشناسی در بازار بسیار است و اینکه کتاب را نباید با محتوای بعضاً سطحی آنها مقایسه کرد و این سنجش خطر دیگری است که برای این کتاب می‌توان متصور شد: «نویسنده اشاره می‌کند این فرهنگ کولی‌وار زیستن به‌ظاهر غربی است، اما منشأ این موضوع طبق پژوهش‌های باستانی انجام‌شده به ۲۵۰۰ سال پیش و به عصر آهن برمی‌گردد. درواقع، نخستین کولیان آهنگرانی بودند که برای ساختن ابزار به نقاط مختلف سفر می‌کردند و یکجانشین نبودند. آثار این گروه در کاوش‌های قیصریه کشف شده است.»

او به بخشی از کتاب اشاره کرد که پرهیز از چپ‌اندیشی است و این بخش جای بحث دارد؛ چراکه نویسنده نظرات خود را به‌طور جزئی و با قطعیت بیان کرده و بلافاصله هم از آن گذر کرده است. این درحالی‌ست که نمی‌توان تأثیر اندیشه‌های چپ در ایران را نادیده گرفت.